

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (GAN)

مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



آموزش استفاده از وب آو ساینس

کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

هویت مذهبی با نگرشی به نظریات شهید مطهری و امام (ره) و نقش نماز در شکل گیری هویت مذهبی

۱- مسلم توانی بلیانی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون

۲- دکتر محمد جمالزاده عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد شیراز

۳- دکتر محسن زارع جلیانی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد کازرون و مدیر گروه الهیات

چکیده

هویت مجموعه ای از اعلاثم اثر مادی ، زمینی ، جامعه ای ، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد گروه از گروه یا اهلیت از اهلیت دیگر (فرهنگی از فرهنگ دیگر) می شود هویت را در مقیاس فردی به نام تقدم تاریخی به هویت های خونی ، خاکی و هویت فرهنگی تقسیم می کنند که هویت دینی بخشی از هویت فرهنگی است هویت آگاهی از خود و ویژگیهای مشترک در زمینه هایی مانند طبقات اجتماعی ، مذهب ، قومیت و جنسیت است . هویت و نیاز به آن پیامدهای دوگانه های دارد . از طرفی خود آگاهی و توجه به هویت و آگاهی از مسائل مشترک دینی ، ملی و ... است و منجر به ارتباط با دیگران می شود و از سوی دیگر همین خودآگاهی و " این همانی " ایجاد شده احتمالاً به جدا شدن با دیگران بینجامد . در این مقاله پژوهشگر تلاش بر آن داشته است که نظرات متفکران مسلمان از جمله امام (ره) که ایشان معتقد اند که نوع نگاه غرب به شرق را در جهت ایجاد هویت برای خویشان به نحو مبسوط تبیین نماید و از طرف دیگر دیدگاه شهید مطهری در مورد هویت دینی و از طرف دیگر نقش نماز در شکل گیری هویت دینی و با توجه به اینکه نماز به عنوان مولفه اصلی تربیت دینی نقش اصلی را در ایجاد هویت دینی ایفا می نماید به امید است که با این تحقیق محقق گامی در جهت بالا بردن آگاهی افراد داشته باشد .

انشاء الله

کلمات کلیدی : هویت دینی ، خودآگاهی ، گفتمان دینی ، اصالت دینی ، آموزه های دینی

سمینار هویت ملی اسلام

آدرس : کازرون دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون تلفن : ۰۹۱۷۷۲۳۶۳۹۵

مقدمه :

هویت انسان یکی از اساسی ترین و حیاتی ترین دغدغه ها و نگرانی های هر کس در زندگی است . و این روند عبور از بحران هویت را تمامی انسان ها در زندگی فردی و اجتماعی خود حداقل یکبار تجربه می کنند . در فرایند عبور از بحران هویت که بعد از سن بلوغ عقلی و شرعی شروع می شود، سوال اصلی و کلیدی چگونگی هویت پذیری و نحوه عبور از این مرحله سخت و سرنوشت ساز است . هویت فردی افراد در این فرایند اگر براساس عقل ، فطرت و دین شکل گیرد ، شخص مورد نظر را به طور نسبی تا آخر عمر بیمه کرده و در صورت حفظ این هویت و مراقبت از آن می توان گفت حسن عاقبت و حیات طیبه برای او به ارمغان می آید و در نتیجه هویت اجتماعی و ملی و سعادت دنیا و آخرت را برای فرد ، جامعه و هر ملتی رقم می زند .



سمینار هویت ملی اسلامی

چیستی هویت :

هویت در لغت به معانی : هستی ، حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری است و آنچه که موجب شناسایی یک شی یا شخص می شود ۱۰ و در اصطلاح عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی و احساسات و اندیشه های مربوط به آن ها که فرد آنها را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و با یافتن تصویری از خود به دست می آورد و در جواب سوال من کیستم ؟ ارائه می دهد . هویت ، به اقسام فردی ، اجتماعی ، ملی و... تقسیم و دسته بندی می شود .

هویت فردی به خصوصیات و مشخصاتی اشاره دارد که فرد به عنوان یک شخص منحصر به فرد و متفاوت از دیگران افراد جامعه ، آنها را به خود منتسب می کند . در هویت فردی « من » در مقابل دیگران قرار می گیرد و تفاوت هایی که فرد با دیگران دارد . آشکار می شود باعث احساسات و علائق خاصی در فرد می گردد .

هویت اجتماعی یک فرد به خصوصیات ، مشخصات و تفکراتی اشاره می کند که فرد آنها را از طریق اشتراک اجتماعی و عضویت در گروه ها و مقوله های اجتماعی کسب می کند . این گروه ها و مقوله ها شامل نژاد ، مذهب ، قومیت ، ملیت ، جنسیت ، احزاب و ... می شود .

هویت ملی به مشخصات و ویژگی هایی گفته می شود که یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می کند و در جامعه ، نوعی انسجام کلی ایجاد می کند ... زبان مشترک ، دین مشترک و آداب و سنن مشترک ، عناصر اصلی هویت را از نظر علوم اجتماعی تشکیل می دهد .

هویت دینی :

قرآن کریم ، آن جایی که از خلقت انسان و اختلافات و تفاوت های صوری و ظاهری آن صحبت می کند این گونه می فرماید : « شما را از یک مرد و زن ، خلق نموده و به شعبه ها و قبایل گوناگون و مختلف ، تقسیم و دسته بندی کردیم تا همدیگر را بشناسید .

بعد به رکن اساسی و اصل مهم و سرنوشت ساز ، که هویت دینی انسان مسلمان را تشکیل می دهد اشاره نموده می فرماید : [گرامی ترین شما در پیشگاه خداوند ، باتقواترین شماست .]

در جاهای مختلف و گوناگون با تعبیر دیگر ، به اصل ذکر شده ، اشاره می نماید از جمله آنجا که می فرماید :

« جن و انس را خلق نکره ام جز برای عبادت و بندگی » از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده است که می فرماید :

« ای انسان ها ، خدای شما یکی است ، همه از نسل آدم و آدم نیز از خاک « آفریده شده » است . برای هیچ

عربی بر غیر عرب ، فضیلت و برتری وجود ندارد ، عزیزترین فرد در پیشگاه خداوند با تقواترین شماست . » بنابراین ، هویت انسان مسلمان در هر کجای عالم خاکی ، زیست و زندگی کند ، در چارچوب مفاهیم بلند اندیشه های دینی و مذهبی باید جست و جو و ارزیابی شده و معنی پیدا کند و جوان مسلمان برای هویت یابی خود ، حضور جهان بینی و ایدئولوژی و نقش آن را در زندگی فردی و اجتماعی خود ، مدنظر قرار داده در نتیجه مسیر ترقی و تکامل به سوی اهداف متعالی را در سرلوحه عملکرد روزانه خود قرار دهد .

ممکن است این پرسش مطرح گردد که ارتباط بین هویت دینی و هویت های سه گانه «فردی، اجتماعی و ملی» چگونه است؟ «تعامل و یا تضاد و تقابل؟» در جواب باید گفت: اصول و ارزش هایی که در مکتب جاوید اسلام مطرح است به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- اصول و ارزش های تاسیسی

۲- اصول و ارزش های تاییدی و امضایی، تقسیم و دسته بندی می شود، بخشی از اصول و ارزش هایی که قبل از اسلام در روابط انسان ها و اجتماعات حاکم بوده است، مورد تایید و تاکید دین مبین اسلام قرار گرفته است و شارع مقدس، صحت آن را امضاء کرده است، در ارتباط با هویت فردی، اجتماعی، ملی و ... نیز می توان گفت: تا آن جایی که در تضاد و تقابل با ارزش های دینی قرار نگیرد، مشکل خاصی وجود ندارد، در جنگ های صدر اسلام، نیز هرگاه مجاهدان و مبارزان، وارد رزم و پیکار می شدند، ابتدا خود، خانواده و قوم و قبیله اش را معرفی می کردند و با در نظر داشتن صفات فردی، خصوصیات خانواده و قوم و قبیله خود را در خدمت اسلام و دفاع از ارزش های اسلامی قرار می دادند.

به عبارت دیگر با توجه به اصول و ارزش های دینی، هویت فردی، اجتماعی و ملی به دو دسته مطلوب و مذموم، تقسیم و دسته بندی می شود، ویژگی های فردی، اجتماعی و ملی که در تعامل تنگاتنگ با ارزش های دینی قرار داشته و در خدمت آن است، مورد تایید و مطلوب است و باید درصدد تقویت و گسترش آن برآمد، اما صفات فردی و اصول اجتماعی و ملی که در تضاد و تقابل با ارزش های دینی قرار دارند، اعتباری ندارند و باید ریشه کن شود. مثل دامن زدن به مسایل قومی و نژادی و ...

آیه شریفه سوره حجرات نیز اشاره به همین مطلب دارد: «شما را از یک زن و مرد، خلق کردیم و به قبیله های گوناگون تقسیم و دسته بندی کردیم تا همدیگر را بشناسید.» آموزه های دینی و عوامل بحران هویت قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت انسان، دنیا را به عنوان محل امتحان و آزمایش، معرفی می کند تا انسان در این مدرسه و دانشگاه مدتی تعلیم و تحصیل دیده و امتحان پس دهد. با عملکرد خود، حیات جاویدان و زندگی بعد از مرگ را رقم زند. با این نگاه، آموزه های دینی، هویت انسان و اجتماع را در عبودیت و بندگی او از خداوند و دوری از بت و بت پرستی، پیروی از شیطان و هوی نفس و خودداری از تقلید کورکورانه از اجداد و نیاکان؛ می داند و از غفلت و خودفراموشی به شدت نهی می کند.

۱- **غفلت و خودفراموشی قرآن کریم** راجع به افرادی که هویت اصیل و گوهر انسانیت خویش را فراموش می کنند این گونه می فرماید: «ما به صورت قطع، گروهی از جن و انس را برای دوزخ، آفریدیم، آنها دلها (عقل ها) بی دارند که با آن تعقل نمی کنند، چشمانی دارند که با آن نمی بینند و گوش هایی دارند که با نمی شنوند، آنها همچون چهارپایانند بلکه گمراه تر، آنها غافلند.»

آنچه از این آیه شریفه استفاده می شود این است که تمام ابزار و وسایل شناخت و معرفت، در اختیار انسان، قرار گرفته است تا انسان با عقل و اختیار خویش، مسیر کمال و سعادت را طی کند، ولی عده کثیری از انسان ها، از این وسایل و ابزار، استفاده و بهره برداری معقول و منطقی نکرده و زمینه سقوط و نابودی خویش را فراهم می سازند به گونه ای که از چهارپایان هم پایین تر قرار می گیرند. سرچشمه این بدبختی و

مشکلات ، چیزی جز غفلت و خودفراموشی نمی باشد، چنانچه دوزخیان در جواب ماموران دوزخ و فرشته ها، می گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم و یا عقل خود را به کار می گرفتیم هرگز جزء دوزخیان نبودیم .» افراد و اشخاصی که گرفتار معضل بزرگ خودباختگی و بحران هویت می شوند ، در زندگی فردی و اجتماعی هدف و مقصد و مقصود را گم کرده و در نتیجه دچار حیرت و سردرگمی می شوند . به فرموده حضرت علی(ع): «به هر سوی که باد می وزد ، میل می کنند .» به هر طبعی می رقصند ، قرآن کریم ، منافقان را این گونه توصیف می کند . « بین خدا و غیر خدا سرگردان هستند ، نه با گروه مومنان و نه با گروه کافران « یک سو و یک دل » هستند هر که را خدا گمراه کند برایش راه نجاتی نیابی.» برای چنین انسان ها و جوامع بی هویت ، خودباخته و سرگردان ، متناسب با اهداف خاص خودشان شخصیت و هویت تعیین کرده و به او الگو و سرمشق می دهند ، تحمیق و استثمارش می کنند . به قول جلال آل احمد: «آدم غرب زده که عضوی از دستگاه رهبری مملکت است ، پادرواست. ذره گردی معلق در فضا است یا درست همچون خاشاکی بر روی آب ، با عمق اجتماع و فرهنگ سنت ، رابطه را بریده است . آدم غرب زده چشم به دست و دهان غرب است کاری ندارد که در دنیای کوچک خودمانی در این گوشه از شرق چه می گذرد.»

۲- اصالت دادن به غیر : کسانی که هویت خود را از دست داده ، خود و ارزش های ملی و مکتبی خویش را فراموش می کنند در تحلیل و ارزیابی ها و تشخیص و احساس درد و گرفتاری و تجویز نسخه و داروی درمان ، بیگانگان را ملاک و معیار قرار می دهند و برای رفع نابسامانی ها ، توسعه ، پیشرفت و آبادانی ، راه و روش ظاهری دیگران را تقلید کرده و از آن پیروی می کنند و براساس آن قضاوت و داوری می نمایند . به قول اقبال لاهوری : **ای گدای ریزه خوار از خوان غیر جنس خود می جویی از دکان غیر**

در حالی که قرآن و آموزه های دینی ، درمان دردها ، گرفتاری ها و مشکلات جوامع بشری را در گروه سعی و تلاش خود انسان ها می داند و معرفی می کند : «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه خود با سعی و تلاش « تغییر در سرنوشت خویش به وجود آورند .» هنگامی که حضرت یوسف در زندان مصر ، یک لحظه متوجه غیر خدا شده و از مخلوق یاری و استمداد می طلبد و به یکی از زندانیان در حال آزاد شدن می گوید : « نزد صاحب « سلطان مصر » مرا یادآوری کن ...» نتیجه اش آن می شود که یوسف ، چند سال دیگر در زندان بماند .

یاد من کن پیش تخت آن عزیز
تا مرا او و آخرد از حبس نیز
پس جزای آنکه دید او را معین
ماند یوسف حبس در بضع سنین
زان خطائی کامد از نیکو خصال
ماند در زندان ز داور چند سال

روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده است می فرماید : «جبرئیل به یوسف نازل شده و چندین سوال مطرح می نماید از قبیل : چه کسی تو را زیبا آفرید ؟ چه کسی مهر و محبت تو را در دل پدر انداخت ؟ چه کسی قافله را به سراغ تو فرستاد ؟ چه کسی سنگ را از تو دور کرد ؟ چه کسی تو را از چاه نجات داد ؟ چه کسی حيله زنان مصر را از تو دور ساخت ؟ حضرت یوسف در جواب تمام سوالها ، یک جمله دارد ، می گوید :

پروردگام . در آخر جبرئیل می گوید : « پروردگارت می گوید چه چیزی سبب شد که حاجت خود را نزد مخلوق ببری ، چرا از من درخواست نکردی ؟ به همین جهت ، چند سالی باید در زندان بمانی . » آنچه از آیه ، حدیث و اشعار فهمیده می شود این است که یک لحظه غفلت از خدا و توجه به غیر ، باعث می شود که حضرت یوسف (ع) به قولی هفت سال دیگر در زندان بماند .

با کمال تأسف در شرایط فعلی با توجه به شعار آزادی و دموکراسی و استفاده از ابراز و وسایل صوتی و تصویری چون رادیو ، تلویزیون ، ویدئو ، ماهواره ، اینترنت و ... وضعیت به گونه ای پیش آمده است که برخی از جوانان ، بدون توجه به تاریخ ، فرهنگ و هویت خویش ، هر روز رنگ عوض کرده از کفش و کلاه تا صحبت کردن و غذا خوردن و حضور در محافل و مجالس و ... ادا ، و اطوار به خصوص از خود نشان داده و به نمایش می گذارند که اکثر وارداتی ، مقلدانه و بیگانه به حساب می آید و با فرهنگ اصیل و هویت ناب و آداب ملی و مذهبی جامعه اسلامی ایران ، تناسبی ندارد .

چه خوب تشخیص داده است اقبال لاهوری درد و گرفتاری جوامع شرقی را که فرهنگ و هویت اصیل خویش را فراموش کرده شیفته و مجذوب لایه های بیرونی فرهنگ غرب شده و به آن ، پناهنده شده اند ، ارزش های دینی تاریخی و ملی خویش را فراموش کرده اند ، آن جا که می سراید :

شرق را از خود برد تقلید غرب	باید این اقوام را تنقید غرب
قوت مغرب نه از چنگ و رباب	نی از رقص دختران بی حجاب
قوت از طرز کلاه و جامه نیست	مانع از علم و ادب عمامه نیست
تا آن جا می گوید :	قوت مغرب از علم و فن است

از همین آتش چراغش روشن است

متأسفانه عده کثیری از جوانان ، بدون توجه به ارزش های فکری و فرهنگی ، دچار سردرگمی شده خود و هویت اصیل جامعه و مردم خویش را فراموش کرده اند ، علائم ، نشانه ها و شاخصه هایی که در زندگی فردی واجتماعی انسان ، نقش محوری داشته ، انسان ها و جوامع ، براساس آن ، تعریف و شناسایی می شوند را از دست داده اند ، اموری را به عنوان شاخصه و معرف شخصیت و هویت خویش ، اتخاذ کرده و می کنند که ثبات و استقرار نداشته و هر روز رنگ عوض کرده و حالت تغییر و دگرگونی دارند . عملکرد عده کثیری از جوانان که خود را فراموش کرده ، فرهنگ بیگانه در تمام زوایای زندگی آنان ، سایه افکنده است .

۳- فقدان تعادل روحی و روانی : کسانی که دچار بحران هویت شده و از خود بیگانه می شوند ، ثبات و تعادل روحی و روانی خویش را از دست می دهند زیرا :

اولاً : فرهنگ و هویت و راه و روش که انسان خودباخته از دیگران ، تقلید کرده و پیروی می کنند ، ممکن است با ساختار وجودی او سازگاری نداشته باشد ، و یا در جامعه ، بین دوستان و آشنایان ، منفور واقع شده و از این ناحیه ، آسیب های روحی و روانی ، متوجه او شود و تعادل او را بر هم زند .

ثانیاً : فرهنگ ، هویت و راه و روش های مختلف و متعددی در جهان وجود دارد انسان که ثبات نداشته و دچار خود باختگی شود ، هر روزی باید رنگ عوض کرده و هویت جدیدی به خود گیرد ، تلون و هر روز

چهره عوض کردن ، کار سخت و طاقت فرسایی است لذا قرآن می فرماید : آیا خداوندان پراکنده بهترند یا خدای یگانه ای که بر هر امری قدرت دارد . «

در آیه دیگری می فرماید : « خداوند مثلی زده است مردی را که چند « خواجه » بدخود و ناسازگار در او شریک باشند و مردی که از آن یک نفر باشد ، آن این دو در مثل برابرند . « در جای دیگر می فرماید : « به دنبال راه های دیگر به جز راه توحید که راه مستقیم است نروید که شما را از راه خدا جدا و پراکنده « می سازد (انعام / ۵۳)

آموزش و احیای هویت دغدغه اصلی آنان که درد دین ، جامعه و مردم را دارند ، این است که برای تغییر وضعیت فعلی و بهبود آن ، چه راه کاری وجود دارد تا جوانان ، اعتمادشان را دوباره به دست آورند ، هویت اصیل و فرهنگ ناب ملی اسلامی شان را بازیافته و به اصل خویش بازگردند و بحران فعلی را پشت سر بگذارند .

بدون تردید ، دین و مذهب ، در جهت بازشناسایی هویت انسان از غنا و توانمندی لازم برخوردار است ، دین به آدمی می آموزد که انسان کیست ؟ و انسانیت چیست ؟ در واقع وقتی انسان از ابزار و وسایل گران قیمت عقل ، هوش ، چشم و گوش ... استفاده بهینه نکند ، هویت اصیل و گوهر انسانی خود را فراموش کرده و از دست بدهد ، تمام همتش ، خوردن ، خوابیدن و عیاشی کردن باشد ، نتیجه اش همان است که قرآن می فرماید : « مقام پست تر از حیوانات » چرا که انسان با داشتن گوهر عقل و اختیار ... اگر منحصر به امور مادی و دنیوی بیندیشد و برای این پرسش که : « از کجا آمده ام ؟ آمدنم بهر چه بود ؟ » پاسخ مناسب و شایسته ای نداشته باشد ، قطعاً از جایگاه واقعی خود ، سقوط و تنزل خواهد کرد و در رتبه پایین تر از حیوان ، قرار خواهد گرفت . چنانچه امام علی (ع) می فرماید : « من « یعنی من انسان » آفریده نشده ام که بهره وری از نعمات مادی ، مرا به خود مشغول سازد چونان چارپای پرواری که آنچه برایش اهمیت دارد ، علوفه است ... و از آنچه برایش برنامه ریزی شده است ، غافل می باشد . «

در آیه دیگری قرآن کریم ، کسانی را که بدون تعقل و خردورزی ، به تقلید کورکورانه متوسل می شوند ، ملامت و سرزنش نموده و می فرماید : « و هنگامی که به آنها گفته می شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید می گویند : بلکه ما از آن چه پدران خود را بر آن یافتیم « پیروی می کنیم » آیا نه این است که پدران آنها چیزی نمی فهمیدند و هدایت نیافتند . « هرگاه پذیرش و پیروی از سنت های اجداد و نیاکان ، مشروعیت نداشته باشد ، شیفته و مجذوب فرهنگ و هویت دیگران ، به طریق اولی مردود و منفور خواهد بود از پیامبر گرامی اسلام نیز نقل شده است که « خدای متعال به واسطه ملاک و معیارهای دینی و اسلامی ، غرور دوران جاهلیت و تفاخر به اجداد و نیاکان را از بین برد چرا که انسان ها همه از نسل آدم و آدم نیز از خاک خلق شده است ، یعنی گوهر و ذات انسان ها ، یک چیز است هیچ کسی بر کسی دیگر ، فضیلت و برتری ندارد ، تنها معیار ارزش و ارجمندی در پیشگاه خداوند ، تقوا ، خودسازی و خدمت به خلق است . « در جمله دیگری می فرماید :

« ای انسان ها ، خدای شما یکی است همه شما فرزندان آدم و آدم هم از خاک ، خلق شده است ... فضیلت برای عرب و غیر عرب وجود ندارد مگر در سایه تقوا و پاک دامنی . «

بنابراین ، بحران هویت ، خودگم کردن و بیگانه شدن انسان با نشانه ها به این معنی است که انسان نداند کیست؟ چه کاره است؟ دینش ، زبانش ، جنسش و ... کدام است؟ به دیگر سخن « من » ی که نیم داند جزء کدام « ما » است و « ما » یی که نمی داند جز کدام « ما » ی بزرگ تر است « من » و « ما » یی بحران زده است و این بحران بر حسب این که اصل و جوهر را چه بدانیم ، مصادیق متعدد می تواند داشته باشد .

در جامعه شناسی ، بحران هویت به معنای گسستن انسان از جامعه ، خانواده ، قوم ، تاریخ ، فرهنگ ، واحد اجتماعی مربوطه و ... است . در روان شناسی ، بیگانه شدن انسان با خویشتن خویش را معنی می دهد و در سطح ملی به معنای بیگانه شدن انسان با واحد ملی مربوطه است . و در دین که محور اصیل و واقعی را خداوند می داند ، بحران هویت به معنای بیگانه شدن و غفلت از خداوند است . چیزی که در قرآن مجید از آن با عنوان « خودفراموشی » یاد می شود . لذا می فرماید : « و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به « خودفراموشی » گرفتار کرد آنها فاسقاند .»

در روایات معصومین نیز آثار فراوانی برای غفلت و فراموشی از جمله فقدان بصیرت و بینایی ذکر شده است لذا می خوانیم : « از غفلت و فراموشی برحذر باشید چرا که غفلت و فراموشی بصیرت را از بین می برد » انسان های غافل و خودفراموش ، ارزش و کرامت ذاتی و انسانی خود را از یاد برده لذا از فرهنگ ، تاریخ ، سنن ، آداب و اعتقاداتش فاصله می گیرد ، زندگی برای چنین انسان هایی پوچ و بی معنی می شود ، تحت تاثیر تبلیغات دشمنان قرار گرفته ، نسبت به ارزش های ملی و مذهبی خویش ، نه تنها بی تفاوت می شود بلکه سایه آن را در زندگی فردی و اجتماعی ، مایه ننگ ، شرمساری و عامل عقب ماندگی تلقی کرده و روز به روز ، فاصله خود را با آن بیشتر می کند و « من » گم شده خود را گاه در بت و بت پرستی ، جستجو کرده زمانی به عنوان سنت های غلط اجداد و نیاکان روی می آورد و افتخار می کند و به زعم خود ، خلا فکری را پر می کند ، گاه نیز طمع دشمنان فرصت طلب قرار گرفته فرهنگ و هویت بیگانگان را می پذیرد و از خود تلقی می کند چنین انسان ها و اجتماعات ، دچار بحران هویت شده و از فرهنگ خود فاصله گرفته اند .

۲- محیط و اطرافیان : انسان با ذهن پاک ، خالی و استعدادهای به فعلیت نرسیده وارد محیط خانواده ، مدرسه و اجتماع می شود . لذا محیطی که انسان بدان جا پا می گذارد اگر سالم بوده والدین ، رفقا ، دوستان و مربیان افراد صالح و متخلق به اخلاق نیک انسانی و اسلامی باشد ، قطعاً اعمال و رفتار آنها بر خلق و خوی افراد تازه وارد ، تاثیر می گذارد . ولی در صورتی که محیط آلوده و مسموم باشد افرادی که انسان با آنها نشست و برخاست و رفت و آمد دارد اصول اخلاقی و تربیت اسلامی و انسانی نداشته و یا رعایت نکنند ، یقیناً انسان خالی الذهن و تازه وارد ، از اعمال و رفتار آنها ، متاثر شده و الگو خواهد گرفت .

قرآن کریم در سوره فرقان ، شرح حال ستمگران ، در روز محشر « روزی که حقایق آشکار و هویت واقعی انسان ها نمایان می گردد را بیان داشته می فرماید : « و به خاطر آور روزی را که ستمکار ، دست خود را » از شدت حسرت « به دندان می گزد و می گوید : ای کاش با رسول « خدا » راهی برگزیده بودم ای وای بر من ، کاش فلان « شخص گمراه » را دوست خود انتخاب نکرده بودم . »

این ندامت و پشیمانی ، حکایت گر این نکته است که : « همنشینی با افراد صالح و نیکوکار ، فلاح و رستگاری را به دنبال دارد » و باعث تقویت دینی انسان در حوزه های فردی ، اجتماعی و ملی می شود و « همنشینی با افراد پست و فرمایه ، فراموشی و حضور شیطان را در پی دارد .» که نتیجه آن خودفراموشی و بحران هویت است

۳- فقر : از جمله عواملی که باعث می شود انسان ارزش های اجتماعی ، ملی و دینی خود را فراموش کرده و به ذلت و خواری تن بدهد فقر و تنگ دستی است، فقر و گرسنگی انسان را به زبونی می کشاند ، عقل و ایمان را می گیرد و از کار می اندازد. انسان فقیر که برای رفع نیازهای خود ، راه های مشروع و قانونی را پیدا نکند قطعاً دست به اعمال خلاف می زند این کلام زیبا از پیامبر اکرم (ص) است که می فرماید : « فقر انگیزه روسپاهی در دنیا و آخرت است » امام علی (ع) خطاب به فرزندش محمد حنیفه می فرماید : « ای فرزند ! من از تهیدستی بر تو هراسناکم ، از فقر به خدا پناه ببر ، که همانا فقر ، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است .» در جای دیگری می فرماید : « خدایا آبرویم را با بی نیازی نگهدار و با تنگدستی شخصیت مرا لکه دار مفرما

بنابراین اگر فقر و تنگ دستی همراه با تقوا و توکل نباشد باعث انحرافات فردی و اجتماعی شده و سبب می شود انسان دچار بحران هویت شود ، به خودفروشی تن بدهد .

۴- ثروت : پول ، ثروت و سرمایه نیز اگر عامل بازدارنده ایمان را در کتاب خود نداشته باشد ، غرور ، بدمستی و طغیان را به دنبال دارد در فرهنگ اسلامی ، از ثروتمندان بدمست و طغیانگر به ، مترف و مترفین ، یاد می شود. و مترف به قول اهل لغت ، به کسی گفته می شود که : فزونی نعمت ، زندگی مرفه و امکانات گسترده مادی ، او را مست ، مغرور و غافل ساخته و به طغیانگری واداشته است .

قرآن کریم ، با صراحت ، احساس استغناء و بی نیازی را مایه طغیان فکری و عملی انسان می داند و می گوید:

« ... انسان آن گاه که احساس بی نیازی کند طغیان می نماید .» و در آیه دیگری دارد « هنگامی که نعمتی ، خداوند به او عطا کند خدا را که قبلاً می خواند ، فراموش می کند . »

در آیه دیگری می خوانیم : « و این گونه در هیچ شهر و دیاری ، پیش از تو پیامبر انداز کننده ای نفرستادیم مگر این که ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند : ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می کنیم

موارد یاد شده عمده ترین عوامل و عناصر است که باعث می شود انسان ، اصالت فردی ، اجتماعی ، ملی و دینی خویش را فراموش کرده و دچار بحران هویت شود .

تکوین تعامل دین و هویت در اندیشه ی امام خمینی (ره) :

امام خمینی (ره) نیز مانند اغلب اندیشمندان گفتمان بازگشت به خویشتن ، غرب گرای و غرب زدگی را به چالش طلبیده و بازگشت به فرهنگ و هویت دینی را ، راه حل مشکل عقب ماندگی و انحطاط معرفی می کرد به اعتقاد او ، اساس و ریشه ی مشکل عقب ماندگی مسلمانان ، خودباختگی و غرب زدگی آنها است که در نتیجه وابستگی فکری و فرهنگی به غرب حاصل شده است (صحیفه نور ج ۱ - ص ۱۰ - ۵۶) و به همین

دلیل است که برای درمان این بیماری سخن از جای‌گزینی « فرم غربی » باید « فرم اسلامی » می‌فرماید : باید این فرم غربی بر گردد و به مفهوم اسلامی ، تا حالا همه چیزمان را تقریباً باید بگوییم غربی بود ، همه چیز غربی بود، حالا باید بعد از اینکه ما دست آنها را کوتاه کردیم ... توجه داشته باشیم که خودمان کی هستیم و چی هستیم (ج ۱۹ - ۱۱۰) افکار و اعمال امام خمینی (ره) - در واقع - ادامه اندیشه بازگشت به خویشتن است که از سید جمال آغاز شده و توسط اندیشمندان دینی ، به ویژه از دهه ی ۱۳۲۰ به بعد تقویت شده بود اما نقش امام خمینی (ره) در تکامل این اندیشه از آن جهت حایز اهمیت است که اولاً اندیشه بازگشت به خویشتن وی مبتنی بر بازگشت به خویشتن وجودی (فردی) بود که همین خود ، تفاوت‌های بسیاری را به دنبال داشت . در واقع امام خمینی (ره) رویاروی غرب زدگی و بازگشت به خویشتن را در قالب مفاهیم اسلامی به تصویر کشید و در قالب مصادیق سیاسی - اجتماعی به عرصه ی عمل کشاند و بر این اساس بود که او از غرب‌زدگی به عنوان:

« ظلمت و طاغوت و از غرب زدگان با عنوان کسانی که اولیای شان طاغوت است و از نور به ظلمات وارد شده اند یاد می‌کرد (ج ۹ ، ۵۹ ، ۶۰) درهای از این ظلمت و طاغوت جز با بازگشت به فرهنگ و هویت دینی میسر نیست در مجموع ، شخصیت ، اندیشه و کردار امام خمینی (ره) شباهتهایی با شخصیت ، اندیشه و کردار اغلب اندیشمندان نهضت بازگشت به خویشتن دارد . او همانند آنها تحول فکری و درونی و بازگشت به فطرت پاک انسانی را تجربه کرده است .

همانند آنها مقابله با غرب زدگی و احیای فرهنگ و هویت دینی را در اندیشه و عمل ، پیشینه خود ساخته و برای تکامل نظری اندیشه ی آنها تحقق عملی آن گام برداشته است این شباهتها تنها به این دلیل است که گفتمانی واحد ، معنا بخش اندیشه و کردار آنها بوده است . هر چند او نیز همانند آنها درصدد چاره جویی برای حل مشکل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان است . اما مبنای سنجش او برای این انحطاط و عقب ماندگی ، نه غرب ، بلکه خود اسلام است ، برای وی ، علاوه بر یک دگرپیرونی به نام غرب ، یک دگر درونی به نام اسلام رکود و جمود نیز وجود دارد که دستیابی به شناخت آنها جز با بازشناسی اسلام اصیل که دغدغه ی اوست ، ممکن نبوده است . وی نه تنها غرب را الگوی شناخته اسلام قرا نداد بلکه - برعکس - اسلام را الگوی شناخت غرب و غرب زدگی قرار داد . ملاک و معیار او برای بازشناسی و بازنگری فرهنگ و هویت اسلامی نه ملاک و معیارهای استاندارد غرب ، بلکه مشخصات اسلام اصیل و ناب بود . امام خمینی برای بازگشت به خویشتن دینی ، اسلامی هم احیاگر و هم اصلاح گر است ، اما احیاگری و اصلاح گری او هرگز برای دست یابی به جامعه ی ایده آل غربی نیست . در دورانی که غرب الگوی پیشرفت و نوگر این بود و غربی شدن با تمدن و تجدد یکسان تلقی می‌شد ، او چنان می‌اندیشید و چنان عمل می‌کرد که در عین حال با غرب تفاوت‌های بنیادین داشت ، تفکر او کاملاً نوگرایانه و نوسازانه جلوه می‌کرد هر چند امام خمینی (ره) خود را مقید به شعایر و سنت های اسلام می‌دانست.

و علیرغم اینکه نظریه ی سیاسی ، او در قالب سنتی اسلامی ، دینی تدوین شد اما تفکر او را نمی‌توان تفکر سیاسی سنتی شیعه دانست بلکه تعبیری « باز تفسیری بنیادی و جدید از دکتترین سیاسی

شیعه بود (زوبید^۱ ۱۹۸۹-۱۲۱) که هم اسلامی را از حالت تدافعی نسبت به غرب خاجر می کرد و هم از پیوند مفاهیم غربی با مفاهیم اسلامی اجتناب می نمود (سعید - ۱۳۷۹ - ۱۳۰) بازگشت به خویشتن امام خمینی (ره) حاصل شناخت او از خود (خودفردی) و به تبع آن ، شناخت از خود اسلامی است . او با پیوند خویشتن شناسی وجودی (فردی) و خویشتن شناسی اجتماعی و در نتیجه با شناخت خود ، هم غرب را می شناسد و می شناساند و هم در خلال مبارزات سیاسی - اجتماعی خود به ستیز و رویارویی با سلطه گری های آن بر می خیزد .

رویارویی هویت دینی (حکومت اسلامی) با هویت غربی (حکومت پهلوی): لزوم تشکیل حکومت اسلامی ، ادامه و نتیجه ی منطقی پذیرش جامعیت اسلام از تلاش برای غلبه بر مشکل غرب زدگی و از خود بیگانگی جوامع اسلامی با رجوع به فرهنگ و هویت اصیل دینی از سوی دیگر بود . در واقع در قیاس با حکومت های اسلامی مبتنی بر اندیشه ی بازگشت به خویشتن بود که حکومت غرب گرای پهلوی به چالش طلبیده شد و برنامه ی مبارزه انقلابی برای جایگزینی حکومت اسلامی به جای حکومت طاغوت اجتناب ناپذیر گردید . در کتاب ولایت فقیه نه تنها لزوم تشکیل حکومت ، لزوم انقلاب اسلامی شیوه ی حکومت اسلامی و مبانی عقلی و نقلی این شیوه ی حکومت بررسی شده بلکه برنامه ی مبارزه برای دست یابی به چنین حکومتی نیز مورد توجه قرار گرفته است با طرح این برنامه ، در واقع امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب ، و راه را برای رویارویی حکومت های مبتنی بر گفتمان بازگشت به خویشتن و غرب گرایی هموار کرد و بدین ترتیب گام در راه تحقق حکومتی نهاد که جز با کشف هویت دینی در قالب نظریه به ولایت فقیه با حاکمیت سیاسی مبتنی بر اندیشه دینی از یک سو و نفی گتمان غرب گرایی دولت پهلوی از سوی دیگر، قابل حصول نبود. امام خمینی (ره) در واقع سمبل انتظام خواسته های مختلف در قالب گفتمان واحد و در رویارویی با گفتمان حاکم بود . او رهبری منحصر به فرد بود برای زمانی که چنین رهبری بسیار کمیاب و سخت مورد نیاز بود . احیاگر دین بود برای آنها که دغدغه ی دین داری داشتند ، رهبری رهایی بخش بود برای آنها که آزادی خواه بودند ، احیاگر هویت دینی بود و برای آنها که استقلال طلب بودند ... اما همه ی این کثرتها را در گفتمانی واحد تحقق می بخشید که ریشه در فرهنگ و هویت دینی در مقابل غرب داشت .

هویت مطلوب از دیدگاه شهید مطهری :

الف : هویت فردی : هویت فردی در نظر مطهری، چارچوب دین و اندیشه ی دینی معنی دارد ، یعنی مطهری ، هویت یابی واقعی برای انسان را ، تنها در تکامل و تعالی انسان به سوی اهداف متعالی می داند . وی با طرح موضوع انسان کامل ، در بیشتر مباحث خود در تلاش است تا ویژگی های انسان کامل را از نظر مکاتب دیگر نیز مورد نظر دارد - البته وی وجود جهان بینی و ایدئولوژی را بریا انسان ، برای هویت یابی دین لازم می داند.

(مطهری ۱۳۷۶ - ۱۱۹ - ۱۱۴) وی با توجه به ابعاد گوناگون انسان معتقد است : انسان با همه وجوه مشترکی که با سایر جاندارها دارد ، فاصله ی عظیمی با آنها پیدا کرده است انسان موجودی مادی و معنوی

^۱. Zubaida

است ، یک سلسله تفاوت‌های اصیل و عمیق با آنها دارد که هر یک از آنها بعدی جداگانه به او می بخشد و رشته ی جداگانه در بافت هستی او به شمار می رود این تفاوتها در سه ناحیه است :

۱- ناحیه ادراک و کشف خود و جهان

۲- ناحیه ی جاذبه هایی که برانسان احاطه دارد

۳- ناحیه کیفیت قرار گرفتن و تحت تاثیر جاذبه ها و انتخاب آنها (مطهری - ۱۲۷۲ - الف . ۱۶)

همین انسان ، در نظر مطهری دارای ویژگیهای متعالی نظیر خیر اخلاقی ، جمال و زیبا دوستی ، تقدیس و پرسش می باشد و نیز چیزی که در نظر مطهری اهمیت زیادی دارد ، نقش موثر انسان در ساختن آینده ی خویش است . یعنی انسان نقش فعال تر موثرتر و گسترده تری در ساختن آینده ی خویش دارد . نقش انسان هم آگاهانه و هم آزادانه یعنی انسان هم به خود و محیط خود آگاه است و هم آن که با توجه آینده به حکم نیروی عقل واراده می تواند آزادانه آینده ی خویش را به هر شکل که خود بخواهد انتخاب کند (مطهری ۱۳۷۲ - الف ۳۲)

در نظر مطهری ، در انسان آگاهی هایی وجود دارد ، که باعث پیشرفت و تکامل او به سوی سعادت است ، آگاهی هایی چون ، خودآگاهی نظری ، جهانی ، فلسفی ، طبقاتی ، ملی ، انسانی ، عرفانی ، پیامبرانه ، که شکل دهنده ی آگاهی هویتی او هستند او در این باره می گوید : « دعوت به خودآگاهی و این که خود را بشناسی ، تا خدای خویش را بشناسی ، خدای خویش را فراموش مکن که خودت را فراموش می کنی ، سرلوحه ی تعلیمات مذهب است (ص ۵۵) بنابراین در نظر شهید مطهری ، هویت فردی انسان ، به عنوان موجودی اجتماعی و متمایز از موجودات دیگر ، در قابلیت ها ، آگاهی ها و کمالات انسان نهفته است یعنی با توجه به عقل ، اختیار و علم و درنهایت تلاش انسان برای وصول به حق تعالی می توان برای انسان ، هویت مطلوب فردی تعریف کرد که در آن دین و ایمان دینی دارای جایگاهی اساسی است .

رابطه دین اسلام و ملیت از دیدگاه شهید مطهری :

مطهری با اشاره به ماهیت جنبشهای رهایی بخش اسلامی ، دینی ، ابتدا به تعریف ملت از نظر قرآن می پردازد، ملت در اصطلاح قرآن به معنای راه و روش و طریقه ای است که از طرف یک رهبر الهی به مردم عرضه شده است ، مثلاً در آیه « مله ایبکم ابراهیم » ملت مورد راه و روش حضرت ابراهیم است . او به نقل از راغب

می گوید علت اینکه یک طریقه ی الهی ملت نامیده شده است این است که از طرف خداوند املا و دیکته شده است (ص ۳۶) . پس از نظر قرآن ، یک مجموعه ی فکری و علمی و یک روشی که مردم باید طبق آن عمل کنند ، ملت نامیده می شود و لذا ، ملت با دین یک معنا دارد با این تفاوت که یک چیزی به اعتباری دین و به اعتباری دیگر ملت نامیده می شود ، در اعتبار دوم ، چون از طرف خدا به پیامبر املا می شود و پیامبر آنرا به مردم ابلاغ می نماید و مردم براساس آن رهبری می شوند ملت نامیده می شوند (ص ۵۶ و ۵۷) .

استاد مطهری با استناد به آیات مختلف قرآن چون « وهمگی به رشته دین خدا چنگ زده و به راههای متفرق - مدعیان دین ساز نروید و بیاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید . خدا در

دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید در صورتی که در پرتگاه آتش بودید و خدا شما را نجات داد چنین خداوند آیاتش را برای راهنمایی شما بیان می‌کند باشد که به مقام سعادت هدایت شوید. (آل عمران ، ۳). ایشان بیان می‌کند که از نظر قرآن و اسلام ، عوامل زبان ، تاریخ ، جغرافیا ، و سنن عوامل قوام دهنده ی ملت‌ها نیستند و در پیشرفت و پسرفت آنها نیز نقش اساسی ندارند بلکه بنای ملیت را عامل سازنده ی وجدان مشترک را در ایمان به خدا و جهاد نفس می‌داند (ص ۴۰) و لذا می‌توان گفت درد مشترک ملت‌ها در نظر قرآن درد رهایی از قید اسارت‌ها و بندگی‌های دنیایی نیل به آزادی واقعی است . بنابراین بنای رهایی بخش انسان ، برایمان به حقانیت و مظلومیت خود از یک طرف و ضعف و تزلزل و بطلان دستگاه‌های اربابی روزگار از طرف دیگر است . اسلام به پیروان خود می‌گوید این اختلافها ، رنگ ، نژاد – اینها ملاک جدایی و تفرقه هستند مطهری با توجه به مقیاس اسلام و قرآن درباره هویت ، به انتقاد از نحوه ی ملت پرستی عصر حاضر پرداخته و آن را خلاف تعالیم اسلامی ، مانع بزرگ رشد جامعه ی مسلمانان، مانع وحدت اسلامی ، عامل تقابل ملل اسلامی و تفرقه میان آنها می‌داند ، از نظر مطهری ، مهمترین حادثه تاریخ ایران ، ورود اسلام و خدمات آن به ایران است ، اسلام با ورود خود به ایران ، ضمن از بین بردن تشنه آرا و تکثر عقاید مذهبی ، وجود عقیدتی و دینی را جایگزین آن کرد . که در آن فکر واحد و آرمان واحد و ایده آل واحد به وجود آمد . اسلام حصار مذهبی و سیاسی گرداگرد ایران را هم در هم شکست تا امکان شکوفایی استعداد ایرانی فراهم گردد . به طوری که مطالعه تاریخی نشان می‌دهد که چنان شور و هیجان علمی و فرهنگی در ایرانیان پدید آورد که آنها را در اوج قله های علمی و حتی مرجعیت دینی قرار داد بنابراین می‌توان خدمات اسلام را به ایران، موارد مهمی چون شناسایی واقعیت ایرانی به خودش ، شکوفایی نبوغ ایرانی ، از بین بردن خرافات ثنوی دینی و قرار دادن ایرانی در اوج افتخارات جامعه اسلامی دانست به گفته مطهری " اسلام استعداد و نبوغ ایرانیان را هم به خودشان نشان داد و هم جهانیان " و به تعبیر دیگر " ایرانی به وسیله اسلام خود را کشف کرد و سپس آن را به جهانیان شناسانید – از نظر مطهری در سالهای پایان سلسله ساسانی ، هویت ایرانی علیرغم عنای فرهنگی و سوابق و تمدنی ایران آن روز ، دچار بحرانی بزرگ شده بود که تنها با ارمغان اسلام برطرف گردید – به عقیده مطهری عامل اساسی هویت یابی ایرانیان را می‌توان گرایش به اسلام و تشیع دانست از نظر وی این گرایش دارای سه علت اساسی است. ۱- خسته شدن مردم از حکومت ساسانی ۲- عدم کارآیی دین زرتشت و ادیان آن روز ۳- جاذبه های معنوی و عظمت واقعی اسلام، از میان این سه عامل ، عامل سوم ، بیشتر از دو عامل قبلی دارای اهمیت بود ، یعنی اسلام به عنوان یک دین رهایی بخش با خصوصیات روحی اخلاقی ایرانیان بسیار متناسب و سازگاری داشت – باید توجه داشت که استاد مطهری در بیان علت گرایش ایرانیان به تشیع ، تمامی عوامل ناسیونالیستی را رد می‌کند . لذا داستانهایی چون ازدواج امام حسین با شهربانو را کذب محض می‌داند و قبول ندارد ک عنصر ایرانی برای مقابله با عربها تشیع را اختراع کرده باشد تا بتواند آیین کهن خود را در قالب تشیع زنده کند. در نظر وی در میان اقوام مسلمان ، ایرانیان بیش از دیگران نسبت به خاندان نبوت علاقه و ارادت نشان داده اند ، هر چند اکثریت مردم ایران از دوران صفویه به بعد شیعه شدند . اما این روشن است که ایران از هر جای دیگری برای تشیع مناسب تر بود ولذا ، به نظر مطهری ، علت تشیع ایرانیان و علت

مسلمان شدن شان یک چیز است ، ایرانی روح خود را با اسلام سازگار دید و گم گشته ی خویش را در اسلام یافت . مردم ایران که طبعاً مردمی باهوش هستند و به علاوه سابقه فرهنگ و تمدن داشتند و دارند ، بیش از هر ملت دیگر نسبت به اسلام شیفتگی نشان دادند و به آن خدمت کردند مردم ایران بیش از هر ملت دیگر به روح و معنی اسلام توجه داشتند به همین دلیل توجه ایرانیان به خاندان رسالت از هر ملت دیگر بیش تر بود و تشیع در میان ایرانیان نفوذ بیشتری یافتند ، فقط خاندان رسالت بودند که پاسخ گویی پرسشها و نیازهای واقعی روح ایرانیان بودند . بنابراین در نظر استاد ، علت حقیقی گرایش ایرانیان به اسلام و تشیع جست و جوی عدل واقعی اسلامی و یافتن آن در خاندان رسالت بود ، زیرا این خاندان تنها کسانی بودند که بدون ملاحظات قومی ، خونی و ... به اجرای عدلات می پرداختند و بر این اساس استاد هویت ایرانی را تنها در گرایش به دین اسلام و تعالیم اسلامی ، دینی می داند ، یعنی عنصر ایرانی ، وقتی به معنای واقعی دارای هویت شد که اسلام در قلوب آنها رسوخ کرد و از آنها انسانها متعالی و رو به تکامل واقعی ساخت ، لذا از این دید مطهری در درجه اول ، عامل هویت ایرانیها را گرایش به اسلام و سپس خدمات شایان آنها به اسلام است .

نقش نماز در شکل گیری هویت دینی :

نماز به عنوان مولفه اصلی تربیت دینی نقش اصلی را در ایجاد هویت دینی ایفا می نماید . واژه تربیت نیز از آنجایی اهمیت پیدا می کند که نماز نقشی تربیتی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد و تداوم این نقش تربیتی منجر به هویت یابی دینی می گردد .

فرضیه نماز به عنوان نماد و مشخصه اصلی اسلام سیاسی کانون توجه غرب بوده است. آنان در امپراتوری رسانه ای خود هر جا که می خواهند تصویری خشن از مسلمانان نشان دهند صف های طویل نماز جماعت آنان را در کنار صحنه های انفجار و ترور نشان می دهند .

ارائه هویتی تمدن ستیز از مسلمان نمازگزار در فیلم های سینمایی و هالیوودی نیز دنبال می گردد . این همان تصویر تحقیر شده ای است که رودلف و النتیو در فیلم معروف " شیخ " ارائه می دهد و این تصور هنوز باقی است . در پس همه این تصاویر تهدید مربوط به جهاد (jihad) پنهان شده است . یعنی تصویری که روزی مسلمانان دنیا را تسخیر کنند . (۱) ارائه چنین تصویری تحقیقها دارای زمینه های فرهنگی بوده است و دانش شرق شناسی که نگاه غربیان به شرق مسلمانان است در خدمت این استراتژی بوده است .

انقلاب اسلامی ایران که انقلاب گل در مقابل گلوله بود و هویتی تمدن ساز از مسلمان نمازگزار ارائه داد ضربه ای کاری بر پیکر این گونه شرق شناسی زد . تلقی اسلام خشونت و تمدن ستیز را به اسلام هویت و تمدن ساز تبدیل نمود .

نماز به عنوان نماد عبودیت خدا و نفی سلطه هر موجود غیر الهی پیام اصلی انقلاب اسلامی ایران بود . نماز به عنوان نماد و پیام اصلی انقلاب بزرگ ملت ایران دارای پیام های سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی نیز هست . اثرات اجتماعی و فرهنگی آن در نمازهای جمعه و جماعات بروز بیشتری می یابد . ارتباط متقابل، تعامل و گفتگو میان مسلمانان هم عقیده که به قصد قربه الی الله در صفی واحد گرد آمده اند در انجام این فریضه الهی است که جنبه عملی به خود می گیرد . عملکرد رسانه های ارتباطی در بازتاب فریضه نماز یک کنش

فرهنگی هوشمندانه را می‌طلبد که بتواند مخاطبین و مخصوص نسل جوان را به وادی عمل به فریضه نماز ترغیب نماید. در اینجا نقش تربیتی و هدایتی رسانه‌های ارتباطی برجسته می‌گردد. رسانه ارتباط بین هویت و نماز را برجسته می‌کند و اینکه نماز چه نقشی را در گفتمان هویت بازی می‌کند؟ چرا هویت دینی از مباحث عمده مربوط به هویت است؟!

امروزه بحث‌های مربوط به هویت، بحران هویت، هویت دینی و آگاهی دینی به دلایل تاریخی، روابط نامتناسب قدرت بین فرادستان و فرودستان در عرصه جهان در کانون توجه قرار گرفته است. در جوامع انقلابی و در حال گذار که دارای هویت دینی هستند از هویت دینی در ساخت کلی اجتماع و تحکیم هویت در حال تحول جامعه استفاده می‌شود. در جامعه دینی ایران هویت دینی خط قرمز ارزشهاست و فریضه نماز اصلی‌ترین نماد هویت دینی است.

از این رو به تبیین مفهوم دین به عنوان یک امر قدسی و از طرف دیگر به عنوان یک عنصر بنیانی هویت ساز می‌پردازیم.

۱-۲- دین

اگر به تاسی از دکارت در پی آن باشیم که برای تعریف یک مفهوم به دنبال وضوح و تمایز باشیم، باید گفت که در تعریف دین با مشکلاتی مواجه خواهیم بود. براین اساس تفکیک میان تمایز مفهوم دین و وضوح مفهوم دین ضروری است. در تعریف دین یک بخش سلبی و یک بخش ایجابی وجود دارد. بخش سلبی آن به تمایز مفهوم دین مرتبط است و بخش ایجابی به وضوح آن ارتباط پیدا می‌کند.

دین مفهومی متمایز از معنویت، زیستن اخلاقی، عرفان‌نگری، تعبد، ایمان، خشکه مقدسی، خرافه پرستی است. این هفت مفهوم مفاهیم نزدیک به دین هستند ولی یقیناً دین نیستند. لذا ثابت می‌شود که مثلاً دین خشکه مقدسی و یا خرافه پرستی نیست.

در عرصه وضوح تعریف دین باید تعریفی از دین ارائه شود که نه مانع افراد باشد، نه جامع اغیار، نه خوشبینانه باشد و نه بدبینانه (۴).

دین به مجموعه پیچیده‌ای از وحی، آموزه، کلام، فلسفه، عرفان، فقه و بالاتر از همه اخلاق گفته می‌شود. به عبارتی دین به الگوهای اندیشه، رفتار و فرهنگ مبتنی بر وحی اطلاق می‌گردد که معتقد است زندگی در چارچوب و براساس وحی موجب آرامش دنیایی و رستگاری ابدی می‌شود. (۵) دین هم از جوامع انسانی است، دین نظامی اعتقادی و عبادی است که انسان را در بعدی مقدس و استعلایی قرار می‌دهد. در هستی‌شناسی انسان دیندار نوع کیهان‌شناسی^۱ (cosmology) درباره منشأ جهان، مناسکی خاص، قواعدی اخلاقی، رابطه‌ای با امر قدس و خلاصه کلام تمام آنچه ستون‌های یک دین اصلی را می‌سازند وجود دارد. (۶)

دین اصلی‌ترین نقش را در شکل‌گیری تمدن بشری داشته است. نام انسان با نام دین در تاریخ کهن بشری گره خورده است. ماکس وبر جامعه‌شناس شهیر آلمانی با نگارش کتاب "اخلاق پروتستان و روح سرمایه

^۱ cosmology

داری " به ایضاح مبسوط نقش دین در شکل گیری تمدن صنعتی غرب پرداخت . لذا پرداختن به نقش دین در شکل گیری هویت فرهنگی و دینی یک ملت شایسته توجه است . نماز که در لسان رسول خاتم (ص) ستون دین است ، الگوی رفتاری مبتنی بر وحی الهی می باشد. با لحاظ نمودن فریضه نماز ، دین به مولفه ای هویت بخش تبدیل می گردد . لذا به تبیین مفهوم نماز نیز می پردازیم .

۱-۳- نماز

نماز به عنوان یک فریضه الهی ، کنشی هویت بخش است و در درجه اول به یک بنده مومن که فقط در مقابل خدا سرطاعت فرود می آورد ، هویت دینی می بخشد . تسلیم و طاعت در برابر خدا مستلزم ایستادگی در مقابل هرگونه نظام سلسله است که آزادی انسان ها را هدف قرار می دهد . بنابراین سجده و طاعت در برابر ذات اقدس الهی مستلزم آزادی از هر گونه نظام سلطه ای است که انسانها را به بند می کشد . نماز به عنوان نماد بندگی انسان در مقابل خدا با نیت قربه الی الله آغاز می گردد و خداوند به بزرگی و عظمت یاد می شود.(الله اکبر). اوست که پدیده ها و انسان را هستی بخشیده و بازگشت همه به سوی اوست . عبارت الله اکبر ۸۵ مرتبه در نمازهای یومیه تکرار می گردد و در آن ضمن یاد کردن خدا به عظمت و بزرگی خط بطلان کشیدن بر طاغوت و هر گونه ساختار سلطه گری است که انسانها را برخلاف فطرتشان که آزادی از بندگی غیرخدا خلق شده اند ، به بند می کشاند. آنجا که در سوره " الحمد لله رب العالمین " می گوئیم ، بر پرورش و آفرینش هستی و جهان به دست مقتدر خداوند تاکید می نماییم و بر هویت بندگی خود در مقابل خدا تاکید می نماییم. خداوند سایه رحمتش را بر همگان گسترده و در توبه را بر روی غفلت کنندگان بازگذاشته . نماز گزار تنها چنین خدایی را پرستش می کند و تنها از وی کمک می خواهد .

فریضه نماز ضمن اینکه یک کنش فردی جهت ارتباط با ذات اقدس الهی است دارای سویه های مختلف اجتماعی ، فرهنگی ، اخلاقی و سیاسی نیز می باشد . همگرایی این مولفه های متأثر از نماز منجر به ایجاد یک هویت مشترک برای تمام برپادارندگان این فریضه الهی می گردد که برخی از آنان تبیین می گردد .

۱-۳ - تأثیرات اخلاقی نماز

دوری از گناه ، تقویت نیروی تحمل مصائب و سختی ها ، آداب آموزی ، کبرزدایی ، احترام به حقوق دیگران ، دوری از غیبت و تکبر ، معاشرت بری از خشونت با مردم و پایبندی به عدالت از پیامدهای مثبت اخلاقی نماز است .

همگرایی مولفه های فوق منجر به ایجاد هویتی با صفت دینی می گردد حال اگر صفات اخلاقی فوق به صورت فصل مشترک افراد یک جامعه درآید در این صورت آن جامعه دارای هویت دینی می گردد . در تأثیرات مثبت نماز در پالایش اخلاق فردی ذکر مثالی از تاریخ صدر اسلام شایسته توجه است .

مسلم بن عقیل که در فراز و گریز از دست نیروهای عبیدالله بن زیاد در کوفه بود صاحب یک فرصت تاریخی جهت دفع شر این دشمن قسم خورده اسلام و اهل بیت گردید ولی همان موقع به یاد حدیث نبوی " الايمان قيد الفتنك " ایمان اجازه نمی دهد که مسلمان ولو به کسی که بیرون مرز دینی خودش هست تجاوز کند " می افتد و از کشتن ابن زیاد منصرف می گردد .

رویکرد مسلم در اینجا رویکردی آرمان گرایانه ، استعلایی و معطوف به اخلاق عملی در اسلام است . این رویکرد آرمانگرایانه مسلم تاثیرات و پیامدهای مهم سیاسی در تاریخ اسلام است . در صورتی که رویکرد واقع گرا در عرصه سیاست معتقد به راه و روش دیگر است . از دیگر ویژگی های اخلاقی نمازگزاران که کنشی معطوف به جمع است رعایت امانت و فای به عهد نسبت به دیگران است . (والدینهم لامانتهم و عدھم راعون (۷۰))

البته امانت مفهوم وسیعی دارد . هر یک از نعمت های الهی امانتی از امانات او هستند . پست های اجتماعی و مخصوصاً مقام حکومت از مهمترین امانات است خیانت در امانت جزء زشتی ها و بدی هاست که هرگز با روح نمازگزار سازگار نیست .

۱-۳-۲ - تاثیرات اجتماعی نماز

یکی از جنبه های اجتماعی نماز که در ایجاد هویت مشترک برای مومنان موثر است نظم و انضباط در امور است . قرآن کریم در این باره می فرماید: " فاقیموا الصلواھ کانت علی المومنین کتاباً موقوفاً . نماز را برپا دارید که به راستی نماز وظیفه ثابت و معینی است برای مومنان " (۸) .

برگزاری نماز به صورت جماعت و فرادا در ساعات معینی از شبانه روز و به سوی یک قبله مشترک ، وحدتی در عین کثرت می باشد که شرط عملی شدن آن انضباط در امور پیامد طبیعی آن ، هم اجتماعی شدن و هم وحدت می باشد .

نمازگزاران در عمل معطوف به اجتماع خود حق معلومی از اموالشان را برای تقاضا کنندگان و محرومان در نظر می گیرند (والدین فی اموالهم حق معلوم . للسائل و المحروم (۰) ۹) مهمترین عامل این کنش اجتماعی نماز است . نماز به نمازگزار می گوید حقوق دیگران را استیفا کن . با خدا رابطه ایجاد نما و وقتی با خدا رابطه پیدا کردی رزق را از او می طلبی . مسلمان نمازگزار برخی از الفاظ ذکر را جمع بر زبان می آورد مثل " نعبد " یا " نستعین " . متکلم مع الغیر آوردن دعاها و خیر دیگران را خواستن و دیگران را در خیر خود سهیم دانستن ، انسان را و او می دارد به اینکه در مسائل اقتصادی هم دیگران را فراموش نکند .

۱-۳-۳ - تاثیرات سیاسی نماز

مسجد در صدر اسلام هم کانون عبادت و یاد خدا بود و هم مکان تجهیز سیاسی برای جهاد . ساماندهی به امور جاریه شهروندان ، محل جمع آوری وجوهات شرعی و مالیات بردارایی و هم تریبون سیاسی مذهبی جهت روشنگری شهروندان . **همینار هویت ملی اسلام** .
ادای نماز به جماعت و نمازهای جمعه که امام با تشریفات خاص به ادای نماز و ایراد خطبه ها می پردازد و شهروندان را به رعایت تقوی و انضباط در امور فرا می خواند دارای سویه های دقیق سیاسی و فرهنگی است . در این گونه جماعات اجتماعی بین مسلمین جهت پرداختن به معضلات گریبانگیر جامعه اسلامی شکل می گیرد . با تاثیرپذیری از فلسفه نماز و نمازهای جماعت و جمعه است که امام خمینی (ره) سیاست را علم هدایت انسانها به صراط مستقیم و در حقیقت راه و روش انبیا (ع) می داند .

نکته قابل توجه این است که صف های نماز جمعه و جمات مسلمین نیز بیشترین پوشش خبری و رسانه ای دولت های غربی را به خود اختصاص داده است و هر جا که در صدد حمله تبلیغاتی و سیاسی به مسلمین

هستند نمازگزاران اهل جمعه و جماعت را به خشونت متهم می نمایند . برجسته نمودن نقش سیاسی نماز در جهان ارتباطات امروزه مسئله ای پیش روی کارشناسان و رسانه های ارتباطی یک دولت دینی است که درصدد تقویت هویت دینی جامعه دیندار است .

شبکه های وسیع مساجد در سراسر کشور تأثیری عظیم و شگفت آور ، هم در پیروزی انقلاب اسلامی و هم در دفاع در دوران هشت سال جنگ تحمیلی داشت . مسجد تجلی گاه اسلام سیاسی و در حقیقت نماز سیاسی و سلطه ستیز است .

مسجد عملاً محل تجهیز و آماده سازی نیروهای مردمی در دفاع از انقلاب اسلامی بوده از این رو جمعی از امامان جمعه و جماعات در همین مساجد به دست دشمنان انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند .

تامل و اندیشه در تک تک آیات و عبارات و انکار در نماز پیوسته یاد نمودن خداوند به یکتایی ، عظمت و بزرگی و بخشندگی و مهربانی است . برای عملی نمودن این ذکرها در صحنه زندگی باید دست را بر سینه شیاطین درون و برون زد و در عرصه زندگی اجتماعی و فردی سلطه ستیزی نمود . تفسیر امام خمینی (ره) از نماز و هسته اصلی آن یعنی سوره حمد نیز تفسیری سیاسی است و در اینجا امام (ره) سیاست را علم پیامبران و علم هدایت انسانها می داند . نماز سیاسی کنشی صرفاً فردی و منقطع از اجتماع نیست . این نماز روح بخش و حرکت آفرین است . به عبارتی کنش معطوف به جهاد و تلاش در راه خداست . از این رو پیامبر خاتم (ص) رهبانیت و عبادت بریده از اجتماع را مردود اعلام می کند و رهبانیت امت خود را جهاد و تلاش در راه خدا می داند .

اگر مطابق تعریف حضرت امام (ره) سیاست را علم هدایت انسان بنامیم ، سوه حمد یکی از سیاسی ترین سوره های قرآن کریم است . اگر قدرت را هسته اصلی علم سیاست بدانیم ، آیه دوم سوره حمد بر قدرت بی همتای ذات اقدس الهی تأکید می کند .

آیات سوم و چهارم ضمن تأکید بر بخشندگی و مهربانی خدای متعال بر بندگانش ، عدالت اهلی در روز جزا را تبیین می نمایند .

در سوره حمد اقتدار الهی ملازم با عدل الهی ذکر گردیده است ، یعنی از منظر دینی قدرت سیاسی بدون عدالت نامشروع و حرکت در خط گمراهان است .

در آیه پنجم تمام مخلوقات عالم از جمله اشرف مخلوقات (انسان) از ذات اقدس الهی به عنوان تنها منبع قدرت طلب یاری می نمایند . **میار هویت ملی اسلام** استمداد طلبی انسان از درگاه خدای متعال جهت هدایت به صراط مستقیم و راه نعمت یافتگان است نه راه گمراهان و مغضوبین درگاه الهی .

سوره مبارکه حمد در حقیقت درس نامه زندگی بشر است . زندگی بشر بنا به طبع انسانیش یک زندگی اجتماعی است . صورت بندی زندگی اجتماعی انسان نیز در عمل سیاست می گنجد ، اگر انسان را کانون زندگی اجتماعی بدانیم ، این انسان در تمام مراحل زندگی خویش در حیطه اقتدار ذات اقدس الهی است .

۲- رابطه دین و هویت یابی انسان

جهت ایضاح مسئله واحد تحلیل خود را انسان و هویت یابی او از طریق دین قرار می دهیم .

نقطه عزیمت هویت یابی دینی فطرت انسان است. فطره الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله. انسانها دارای فطرت خدانشناسی و فطرت عبادت هستند، لیکن این احساس گاهی به صورت شعور ناآگاهانه و گاهی با کمک وحی به شعور آگاه تبدیل شده و به سوی کمال حرکت می کند. حرکت هدفمند انسانها در مسیر فطرت، فصل مشترکی را در بین آنان ایجاد می نماید که در عرصه زندگی اجتماعی نیز خود را بروز می دهد، دغدغه مشترک به هویت مشترک میل پیدا می کند که ما این هویت مشترک را هویت دینی می یابیم.

هویت دینی، خود مولفه ای از واحدی بزرگتر به نام هویت فرهنگی است. در تکاپوی هویت بخشی دین به نسل جوان نمی توان حرکت را با انقطاع شروع کرد و از گذشته تاریخی و فرهنگ کهن یک ملت برید. بنابراین در تکاپوی کمال به سوی آینده از منظر فرهنگی باید نگاهی به گذشته داشت. بستر مهم رودخانه هویت ایرانی، دین است. ایرانیان همیشه ذهن مشغول و دل نگران دین بوده اند و می کوشند که در زندگی شان خدا به وجهی حاضر و ناظر باشد.

هویت دینی اساس انسجام جامعه ایرانی در طول تاریخ بوده است. منجی عدالت گستر و دولت عدالت پیشه نیز آرمان ایرانیان خصوصاً در شکل تشیع آن بوده است. با نگاهی به گذشته این امر مبرهن و آشکار است که هر گونه موج دین ستیز که در جدال با هویت دینی ایرانیان بوده با شکست مواجه گردیده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی، دین به کانون وحدت و هویت ملت ایران تبدیل گردید.

شعارهای آن روز که از رسانه ملی و از زبان جوانان ایرانی شنیده می شد غالباً حول کانون دین است. شهادت در راه دین و الگوپذیری از امام حسین (ع) که در کربلا و به دست دشمنان دین اسلام به شهادت رسید، گفتمان حاکم در هنگام جنگ تحمیلی بود.

شهادت طلبی و آرزوی لقاء الله فقط با داشتن مبانی دینی است که مفهوم پیدا می کند و ملتی در پی شهادت است که هویت دینی داشته باشد.

هویت دینی در هنگامه دیگر از تاریخ ملت ایران خبرساز و تاریخ ساز گردید.

در آغاز دهه ۴۰ خورشیدی که مکاتب لیبرالیسم، ناسیونالیسم و مارکسیسم در قالب جبهه ملی ایران و حزب توده با همدستی استبداد داخلی و استعمار خارجی سرکوب گردید، هویت یابی دینی در قالب حرکت استعمار ستیزانه حضرت امام (ره) و همچنین روشنفکران بومی و دینی آغاز گردید.

در عرصه عمل سیاسی حضرت امام رضوان الله تعالی علیه با ارائه تعریفی از خود دینی و هویت دینی استبداد داخلی و استعمار خارجی را در قالب شاه - آمریکا و اسرائیل به مبارزه طلبید.

موج بازگشت به خویشتن و تاکید بر هویت دینی به روشنفکران جامعه ایران گسترش یافت. در تبیین چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ملت ایران تمامی اندیشمندان غربی بر هویت دینی و فرهنگی آن اشتراک نظر دارند. تا آنجا که میشل فوکو فیلسوف شهیر فرانسوی به گزارشگر بزرگ انقلاب ایران تبدیل شد و انقلاب اسلامی ملت ایران را دارای بعد معنویت گرا و در حقیقت روح یک جهان بی روح نامید.

لذا موج هویت یابی دینی که در آغاز دهه ۴۰ خورشیدی با رهبری حضرت امام (ره) آغاز گردید به پیروزی یک انقلاب ضد استبدادی و ضد استعماری در سالهای پایانی دهه پنجاه انجامید .
شعار بنیانی " نه شرقی ، نه غربی ، جمهوری اسلامی " تاکید بر همین هویت دینی و ملی است که در مقابل " غیر " خارجی فریاد گردید .

خلاصه و نتیجه گیری :

نماز چه نقشی را در گفتمان هویت بازی می کند؟! و چرا هویت دین ارتباط ناگسستنی با نماز دارد؟!
از آنجا که مطابق روایت معصوم (ص) نماز ، ستون دین است و انقلاب ملت ایران انقلابی دینی بود ، نماز به نماد هویت بخش حکومت جمهوری اسلامی ایران تبدیل گردید .

روایت فوق تاثیر نماز در عرصه اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی در ایران و انعکاس آن در جهان بود .
به لحاظ فرهنگی و تاریخی نیز ملت ایران همواره ملتی دیندار بوده است و هویت فرهنگی آن مشخصاً هویتی دینی است . در نظرگاه ملت ایران دولت عدالت گستر همواره در قامت یک دولت دینی تجلی پیدا می کند .
دولت دیندار و عدالت گستر نیز نمی تواند منقطع از فریضه نماز قائم گردد .

لذا نماز مولفه اصلی تربیت دینی انسان ایرانی در عرصه های مختلف سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی است و جامعه اخلاقی در سایه گفتمان هویت بخش نماز و دین شکل می گیرد .

اصولاً هویت دینی با اقامه فریضه نماز شکل می گیرد . با هجوم امواج رسانه ای غرب و موجهای توفنده جهانی شدن داشتن هویت دینی و ملی نقش مهمی در جهت مقابله با این امواج ایفا می نماید . لذا اهمیت اقامه نماز سیاسی - عبادی و هویت بخش از مرز یک واجب شرعی در عرصه خصوصی زندگی عبور می نماید و به ابزار و سلاح دفاع از هویت دینی و ملی در مقابل امواج تهاجم بیگانگان تبدیل می گردد .

از این رو گفتمان هویت بخش دین و باور به اقامه فریضه هویت بخش نماز پیوسته و سینه و نسل به نسل باید به باز تولید خود بپردازد . بر همگان نیز مبرهن است که نقش اصلی را در باز تولید گفتمان دینی و الهی بر عهده اهالی و فرهنگ و اندیشمندان است .

و با توجه به اینکه دین انسان را متوجه ارزش و کرامت ذاتی او می کند و از پوچ گرایی ، دور ساخته و او را به ادامه حیات امیدوار می سازد و یا برانگیختن آتش عشق و محبت در وجود وی ، انسان را به زندگی سرشار از شور و شمع ، استغنا و بی نیازی ، توأم با تلاش و فعالیت برای خدمت به هموعان و دوری از کژی ها و کاستی ها ، رهنمون می سازد . منتهی برای انتقال آموزه ها و ارزش های الهی و آسمانی و مفاهیم بلند دینی ، به تلاش و فعالیت ، تعلیم و تعلم و آموزش و پرورش ، احتیاج و نیازمند هستیم ، چرا که سنگ زیرین ساختمان فرهنگ و هویت افراد هر سرزمینی را نحوه آموزش و ارتباطات آن ، رقم می زند و هر قدر که اصول آموزشی و ابراز ارتباطی ، در جهت انتقال مفاهیم ، غنی تر و قوی تر باشد و در عین حال سطح وسیع تری را پوشش دهد ، می تواند سلامت آحاد جامعه و مردم به خصوص نسل جوان را در برابر سیل تهاجمات ، حفظ نموده و نسبت به حوادث کشنده و مهلک ، بیمه نماید ، چرا که انسان اولیه و دست نخورده حکم

خمیر مایه را دارد و با آموزش های لازم و ارتباط با اطرافیان ، فرم وشکل خاصی پیدا می کند و بدون آموزش و ارتباط به همان حالت اولیه و ابتدایی باقی می ماند چنانچه آموزش و ارتباطات هم اگر سالم و سازنده نباشد باز شکل دیگری به خود گرفته و هویتش نیز فرم خاصی پیدا می کند .

لذا با آموزش های دقیق و حساب شده و ارتباطات سالم ، می توان آموزه های اصیل ملی اسلامی را در ذهن و ضمیر و روح و روان نسل جوان ، نهادینه کرده و توسعه و گسترش داد ، در نتیجه ضریب اعتماد و اطمینان جوانان و نوجوانان را بالا برده و توان آنان را برای مقابله و مقاومت در برابر تهاجمات وسیع و گسترده دشمنان و بیگانگان ، مضاف و دوچندان نمود در غیر آن صورت در مواجهه با فرهنگ مهاجم و صنعت و تکنولوژی غرب ، رنگ باخته ، اعتمادشان را از دست خواهند داد و گرفتار بحران هویت خواهند شد .

نکته ای که باید توجه داشت این است که ، آموزش ، منحصر به مدرسه و دانشگاه نیست رسانه های گروهی نیز در این زمینه نقش موثر دارند ، رادیو ، تلویزیون و مطبوعات به همان نحو که در ایجاد زمینه های ذهنی غلط ، نقش مخرب دارند ، متقابلاً با برنامه های آموزشی مناسب می توانند در ارتقاء فرهنگ جامعه نقش ارزنده خویش را ایفا کنند ، حسن آموزشی مناسب می توانند در ارتقاء فرهنگ جامعه نقش ارزنده خویش را ایفا کنند ، حسن ختام این اجمال را جملات زیبای پیرفرزانه ، حضرت امام (ره) قرار می دهیم آنجا که می فرماید : « رسانه های گروهی ، بویژه صدا و سیما ، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می تواند خدمت در سراسر کشور با آنها تماس سمعی و بصری دارند چه مطبوعات در مقالات و نوشته های خود و چه صدا و سیما در برنامه ها و نمایشنامه ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلم ها ... و از هنرمندان متعهد بخواهند که در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه ، وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه ها به ملت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند ... سهل انگاری در این امور ، ساده اندیشی است و بر متعهدان است که کوشش کنند و از انحرافات ، گرچه جزئی جلوگیری نمایند . »

سمینار هویت ملی اسلام

منابع و مآخذ :

۱- احمد ، بابک ، (۱۳۷۵) ساختار و تاویل متن ، ج ۱ ، چ ۳ ، تهران ، مرکز

- ۲- تاجیک محمد رضا (۱۳۷۶) ۹ کلمه نهایی ، شکل گیری گفتمان های هویت در ایران نامه پژوهشی ،
سال دوم ش ۷
- ۳- خمینی روح الله (۱۳۶۰) مصباح الهدایه ای الخلافه و الولایه ، ترجمه سید احمد فهری شهیدان
پیام آزادی
- ۴- خمینی روح الله (۱۳۶۹) سرالصلوه (صلاه العارفين و معراج السالکین) تهران موسسه تنظیم و
نشر آثار امام
- ۵- خمینی روح الله (۱۳۷۰) شرح دعای سحر ترجمه سید احمد قهری ، تهران اطلاعات
- ۶- خمینی روح الله (۱۳۷۲) جهاد اکبر تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۷- خمینی روح الله (۱۳۷۸) ولایت فقیه چ ۹ ، تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۸- خمینی روح الله (۱۳۶۱) صحیفه نور تهران ، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب
- ۹- مطهری مرتضی (۱۳۷۲) خدمات متقابل اسلام و ایران ، چاپ ۱۹ تهران صدرا
- ۱۰- مطهری مرتضی (۱۳۷۱) جامع و تاریخ ، تهران صدرا
- ۱۱- مطهری مرتضی (۱۳۷۵) تکامل اجتماعی انسان تهران صدرا
- ۱۲- ادوارد سعید ، شرق شناس ، تهران ، موسسه مطبوعاتی ، ص ۲۳- ۲۴
- ۱۳- داور شبخاورنه ی ، تکوین و تنفید هویت ایرانی ، تهران ، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۷۹، ص ۷
- ۶-
- ۱۴- نسرین ، مصفا ، هویت زن ایرانی ، روزنامه ایران ، پنجشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۸۴
- ۱۵- فرهنگ رجایی ، هویت ایرانی امروز ، تهران ، نبی ، ۱۳۸۳ ، ص ۱۰۹
- ۱۶- ژان فرانسوا دورتیه ، علوم انسانی گسترده شناختها ترجمه ناصر فکوهی ، روزنامه ایران
- ۱۷- قرآن کریم سوره معارج آیه ۳۲
- ۱۸- قرآن کریم سوره نساء آیه ۱۰۳
- ۱۹- قرآن کریم سوره معارج آیه ۲۵- ۲۴

سمینار هویت ملی اسلام

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی